

## دستگاه واجی گویش تالشی و کاربرد آن در تحلیل بعضی خصوصیات فارسی جدید

مهرداد نغزگوی کهن (استادیار دانشگاه بوعلی سینا)

### چکیده

گویش تالشی جزو زبانهای سواحل دریای خزر محسوب می‌شود که خود به زبانهای دسته غربی زبانهای ایرانی تعلق دارد. این گویش از طرفی با گویشهای دیگر سواحل خزر و از طرف دیگر با گویشهای مرکزی ایران ارتباط می‌یافته است. بعضی زبان‌شناسان تالشی را به سه گروه تقسیم نموده‌اند: تالشی شمالی که در اطراف آستارا و بخش ساحلی جمهوری آذربایجان به آن تکلم می‌گردد؛ تالشی مرکزی که در حوالی آسالم-هشتپر مورد استفاده قرار می‌گیرد، و تالشی جنوبی که در شاندرمن، ماسال، و سایر مناطق کوهستانی در استان گیلان رایج است. مواد لازم برای نگارش این گزارش در تابستان سال ۱۳۷۳ از دهستان طاسکوه که در نزدیکی شهر ماسال (در حدود ده کیلومتری آن) قرار دارد جمع‌آوری شده است.<sup>۱</sup> در این گزارش ابتدا با استفاده از جفتهای کمینه واجهای واکه‌ای و همخوانی را استخراج می‌نماییم (به این ترتیب ۶ واج واکه‌ای و ۲۲ واج همخوانی تالشی این منطقه مشخص می‌شود). در ادامه ضمن به دست دادن خصوصیات خاص این گویش، آن را با زبان فارسی مقایسه می‌نماییم و بعضی از موارد کاربرد آن را برای بازسازی دستگاه واجی زبان فارسی جدید برمی‌شماریم.

### ۱ پیشینه تحقیق در مورد گویش تالشی

تا آنجایی که نگارنده اطلاع دارد از میان تحقیقات جدی که در زمینه تالشی صورت گرفته، به موارد زیر می‌توان به طور اجمالی اشاره کرد:

- کتاب زبان تالشی تألیف ایران‌شناس روس ب. و. میلر (مسکو ۱۹۵۳).

۱. در اینجا لازم می‌دانم از جناب آقای بهروز یعقوبی که در گردآوری داده‌های این مقاله مرا یاری کردند تشکر کنم.

- فرهنگ تالشی- روسی پیریکو (مسکو ۱۹۷۶).
- فرهنگ تاتی و تالشی تألیف علی عبدلی (۱۳۶۳) و فرهنگ تطبیقی تالشی، تاتی، آذری همو (۱۳۸۰).
- پایان‌نامه کارشناسی ارشد دکتر محرم رضایتی کیشه خاله.
- پایان‌نامه کارشناسی ارشد اینجاناب با عنوان بررسی گویش تالشی (۱۳۷۳) در دانشگاه تهران و همچنین مقاله نگارنده با عنوان «توصیف ساختمان دستگاه فعل در گویش تالشی» (۱۳۷۳) در مجله زبانشناسی.
- کتاب پروفیسور ولفگانگ شولتز (۲۰۰۰) با عنوان تالشی شمالی.

## ۲ روش استخراج واجها

برای استخراج واجهای این گویش، از زوجهای کمینه استفاده کرده‌ایم. منظور از زوجهای کمینه جفت کلماتی است که تنها از نظر یک آوا در جایگاهی معین با هم فرق دارند. اگر تفاوت مذکور منجر به تغییر معنایی شود، آوا(ها)ی مورد نظر واج هستند. گاهی اوقات نیز جفت کمینه‌ای که موجب تمایز دو واج شود در داده‌های ما وجود نداشته است. در این گونه موارد از جفتهای شبه کمینه استفاده کرده‌ایم. در این گونه جفتهای آواهای مجاور واجها هستند که مشابه هستند.

### ۱-۲ واکه‌ها

شش واج واکه‌ای در تالشی قابل شناسایی هستند. در زیر برای هر مورد تعدادی جفت کمینه را به دست داده‌ایم.

۱. واکه پیشین، بسته، گسترده /i/

/i/-/u/

«امسال» i sâl-usâl «یک سال»، «گل» gil-gul «گل»، «بو» bi-bu «باید»

/i/-/e/

«سگ ماده» dila-dela «نهان»، «نه» ni-ne «هم»

/i/-/ə/

«لب» liv-ləv «برگ»، «تو» ti-tə «خار»

۲. واکه پیشین، نیمه باز، نیمه گسترده /e/

/e/-/ə/

«بز» bez-bəz «بیزار»، «چه» če-čə «او» (صفت ملکی)

/e-/a/

«رشت» rešt-rašt «بهمن، ریزش کوه»، «باز» âbe-âba «شکفتن»

۳. واکهٔ پیشین، باز، گسترده /a/

/a-/â/

«آنجا» a-â «آن»، «جن» al-âl «اتحاد»، «چهار» čar-čâr «خاروخاشاک»، «بیهوده» dada-

dadâ «پدر»

/a-/ə/

«میخ» maz-məz «جوگندمی»، «که» ka-kə «خانه»

۴. واکهٔ پسین، باز، گرد /â/

/â-/ə/

«جوشیده» gâla-gəla «کمر بند»، «من» mâ-mə «ماه»

۵. واکهٔ مرکزی، نیمه‌باز، خنثی /ə/

/ə-/u/

«لوس» ləs-lus «کتک»، «پر» mə-mu «من»

۶. واکهٔ پسین، بسته، گرد /u/. (برای زوجهای کمینه رک. مثالهای فوق‌الذکر).

## ۲-۱-۱ نمودار واکه‌های گویش تالشی

پسین	مرکزی	پیشین
u		i
بسته		
		e
	ə	
		a
	â	باز

## ۲-۱-۲ برخی خصوصیات آوایی و واجی واکه‌های تالشی

۱. همان‌طور که از نمودار فوق مشخص است، دستگاه واکه‌ای تالشی غیرمتقارن است، همین‌چنین عدم تقارن به خودی خود و به صورت بالقوه می‌تواند موجب تغییر آن گردد، به خصوص زمانی که

شرایط بیرونی تغییر نیز مهیا باشد. این شرایط بیرونی عبارت‌اند از تماس زبانی با لهجه‌های مجاور، تأثیر زبان فارسی به واسطه حضور بیشتر افراد در مدارس و نفوذ وسایل ارتباط جمعی و جز آن. ۲. [ü] که یک واکه گرد پیشین است در توزیع تکمیلی با واج /u/ قرار دارد و واجگونه آن محسوب می‌شود. این واجگونه قبل از همخوانهای لثوی نمود می‌یابد:

«پوک» vür، «گردو» vüz، «زوزه» züza، «لوله» lüla، «دور» dür و جز آن.

۳. در این گویش چهار واکه مرکب وجود دارد.

الف) [ay] مانند: «حیوان» hayvun، «قلیان» qaylun، «ماهیتابه» xaykâra، «همیشه» ayzan، «عید» ayd.

ب) [ây] مانند: «چای» çây، «آی» ây.

پ) [ey] مانند: «دی» dey، «استخر» seyl، «خالی» tey.

ت) [øy] مانند: «قیمت» qəymat.

در تولید هر یک از واکه‌های مرکب فوق، اندامهای گفتار از موقعیت تولید یک واکه در جهت موقعیت تولید غلت y حرکت می‌کند.

۴. در زبان فارسی امروز فرایند تبدیل â به u در محیط آوایی زیر صورت می‌گیرد:

$$\hat{a} \rightarrow u / - [C \text{ خیشومی}]$$

در حقیقت در فارسی این دو واکه در این محیط آوایی گونه آزاد هستند و با هم تقابل ندارند و کاربرد این دو وابسته به شرایط پیچیده‌ای است، در حالی که در تالشی تنها واکه‌ای که می‌تواند در این محیط به کار رود u است:

تالشی	فارسی
num	نام
run	ران
nun	نان
duna	دانه
zindun	زندان
meravun	مهربان
gurestun	گورستان
zumun	زبان
dandun	دندان

## ۲-۲ همخوانها

با استفاده از زوجهای کمینه ۲۲ واج همخوانی مشخص می‌شود. در زیر هر کدام از این واجها را به همراه نمونه‌هایی از زوجهای کمینه آورده‌ایم:

۱. همخوان دو لبی، انفجاری، بی‌واک /p/:

/p/-/b/

«در» par-bar «بال»، «پرتگاه» lapa-laba «پهن»، «قاب» qâp-qâb «قوزک پا».

/p/-/m/

«گنجشک» puč-muč «پوچ»، «دانه تازه جوانه زده برنج» tup-tum «توپ».

/p/-/t/

«تازه» par-tar «بال».

/p/-/f/

«خپله» pəč-fəč «پچ‌پچ».

۲. همخوان دو لبی، انفجاری، واکدار /b/:

/b/-/v/

«برف» bar-var «در»، «آبکی» âba-âva «باز».

/b/-/m/

«وسط» bin-min «ببین»، «تخته کوب سقف» laba-lama «پرتگاه»، «رحم» bam-ram «سرو صدا»

/b/-/d/

«داغ» bâq-dâq «باغ»، «دوختن» pebâšte-pedâšte «تابیدن».

۳. همخوان لب و دندانی، سایشی، بی‌واک /f/:

/f/-/v/

«گجیح» fər-vər «هر بار دوشیدن پستان»، «شیره، عصاره» râfa-râva «حلزون».

/f/-/s/

- «قرمز» fər-sər «هر بار دوشیدن پستان»، «غسل» qəfl-qəsl «قفل»، «صدا» saf-sas «اشتباه».
۴. همخوان لب و دندانی، سایشی، واکنار /v/ (برای نمونه‌هایی از زوجهای کمینه که موجب شناسایی این واج می‌شود رک. همخوانهای /b/ و /f/).
۵. همخوان دندانی، انفجاری، بی‌واک /t/:

/t-/d/

«درخت» tār-dār «تار، تاریکی».

/t-/k/

- از، به» tu-ku «توت»، «حواس کسی را هنگام صحبت پرت کردن» patu-paku «پتو»، «کوک ساعت» kut-kuk «کود شیمیایی».

/t-/n/

- «نام» tum-num «بذر تازه جوانه زده برنج»، «خالکوبی پا» pātīla-pānīla «دیگ»، «جوان» jut-jun «لکنت».
۶. همخوان دندانی، انفجاری، واکنار /d/:

/d-/n/

«راه بدون سرایشی» dari-nari «بسته».

/d-/g/

«خاک» dil-gil «قلب».

۷. همخوان لثوی، سایشی، بی‌واک /s/:

/s-/z/

«دیروز» sīr-zīr «سیر».

/s-/š/

- «شغال» sāl-šāl «سال»، «گاو ماده» līsa-liša «نوعی جلبک»، «بلند» lās-lāš «صخره».

دستگاه واجی گویش تالشی و کاربرد آن در تحلیل بعضی ...

۸. همخوان لثوی، سایشی، واکدار /z/:

/z/-/j/

«فضله طیور» zil-jil «قسمت انتهای دم گوسفند»، «گج» gaz-gaj «گر».

/z/-/ž/

«زدن» zande-žande «زایدن».

/z/-/v/

«نخ رشته شده از پشم» zâl-vâl «کله شق».

۹. همخوان لثوی-کامی، سایشی (پاشیده)، بی‌واک /š/:

/š/-/č/

«گوساله‌ای که شروع به خوردن شیر کرده است» šal-čal «نوعی بوته خاردار»، «گنجشک» muš-muč «موش».

۱۰. همخوان لثوی-کامی، سایشی (پاشیده)، واکدار /ž/:

/ž/-/š/

«رفت» ža-ša «جلو».

۱۱. نیم‌واکه دهانی-کامی، غلت، واکدار /y/:

/y/-/j/

«زرنگ» yal-jal/jald «پهلوان»، «اسفناج» čây-čâj «چای».

۱۲. همخوان لثوی-کامی، انفجاری-سایشی، بی‌واک /č/:

/č/-/j/

«فضله طیور» čil-jil «پوسته سخت و خشک چیزهایی مثل گردو و تخم‌مرغ».

۱۳. همخوان لثوی-کامی، انفجاری-سایشی، واکدار /j/ (برای نمونه‌هایی از جفتهای کمینه که در شناسایی این واج مورد استفاده قرار گرفته‌اند رک. واجهای /z/، /y/، /č/).

۱۴. همخوان نرمکامی، انفجاری، بی‌واک /k/:

/k/-/g/

«می‌وزد» kina-gina «دختر».

/k/-/q/

«قاج» kəj-qəj «دگمه»، «چاق» čak-čaq «اسباب‌واثیه».

۱۵. همخوان نرمکامی، انفجاری واکدار /g/ (برای نمونه‌هایی از جفتهای کمینه که در شناسایی این واج مورد استفاده قرار گرفته‌اند رک. واجهای /d/، /k/).

۱۶. همخوان ملازی، سایشی، بی‌واک /x/:

/x/-/q/

«خراب» xər-qər «ابر».

/x/-/h/

«حوله» xâla-hâla «شاخه».

۱۷. همخوان ملازی، انفجاری، واکدار /q/ (برای نمونه‌هایی از جفتهای کمینه که در شناسایی

این واج مورد استفاده قرار گرفته‌اند رک. واجهای /k/ و /x/).

۱۸. همخوان چاکنایی، سایشی، بی‌واک /h/ (برای جفتهای کمینه رک. واج /x/).

۱۹. همخوان دو لبی، خیشومی، واکدار /m/:

/m/-/n/

«قوج» mer-ner «مهر»، «پیشوند نفی» ama-ana «ما»، «دین» dim-din «صورت».

۲۰. همخوان لثوی، خیشومی، واکدار /n/ (برای نمونه‌هایی از جفتهای کمینه که در شناسایی این واج مورد استفاده قرار گرفته‌اند رک. واجهای /t/، /d/، /m/).

۲۱. همخوان لثوی، کناری، واکدار /l/:

/l/-/r/

«کوچک» luk-ruk «گلو»، «جوجه‌تیغی» gula-gura «کوزه»، «جلو» nâl-nâr «نعل»

۲۲. همخوان لثوی، لرزشی، واکدار /r/ (برای جفتهای کمینه مورد استفاده برای شناسایی این واج رک. واج /l/).

دستگاه واجی گویش تالشی و کاربرد آن در تحلیل بعضی ...

## ۲-۲-۱ جدول واجهای همخوانی تالشی

چاکنایی	ملازی	کامی	لثوی- کامی	لثوی	دندانی	لب و دندانی	دولبی	محل تولید ← شیوه تولید ↓
	q	k g			t d		p b	انفجاری
h	x		š ž	s z		f v		سایشی
			č j					انفجاری-سایشی
				n			m	خیشومی
				l				کناری
				r				لرزشی
		y						غلتان/نیم واکه

## ۲-۲-۲ چند نکته در مورد همخوانی تالشی

- همزه و عین در این گویش وجود ندارد.
- رخداد قابل پیش‌بینی نیم واکه w در مقام واجگونه /v/: این واجگونه بین واکه پسین، بسته، گرد u و واکه پیشین، باز، گسترده a ظاهر می‌شود (u-a):  
 «پسر» zuwa, «دود خانه» duwa ka (رک. واجهای میانجی). حضور این واجگونه را شاید بتوان این گونه توجیه کرد: در ابتدا واج w وجود داشته و v واجگونه آن محسوب می‌شده است. با گذشت زمان v به صورت واجی مستقل درآمده است و جای w را در کلیه مواضع جز جایگاه فوق گرفته است. این تحول هنوز به طور کامل انجام نگرفته است. مثلاً در جایگاه میان واکه‌ای a-u هم w و هم v دیده شده است:  
 «جوها» žawun → «تکواژ جمع» un+a(جو) ža  
 «لباسها» xalâwun+ → «لباس» xalâ  
 «آنها» avun/aven+ → «آن» a  
 «همان‌ها» havun/haven → «همان» ha

این امر نشان می‌دهد که حذف w هنوز در جریان است و کامل نشده است. پیش‌بینی ما این است که مانند سایر موارد و مانند زبان فارسی w به کلی از سیستم آوایی-واجی تالشی حذف خواهد شد.

## ۳ واج‌آرایی

در این قسمت آرایش واجها را در کلمات مختلف مورد بررسی قرار می‌دهیم.<sup>۱</sup>

۱. نتایج این قسمت بر اساس تحلیل ۱۴۶۸ کلمه به دست آمده است.

### ۳-۱ کلمات تک-هجایی

شش نوع ساخت هجایی در کلمات تک-هجایی در این گویش قابل شناسایی است:

1.V	a	«او»
2.VC	âv	«آب»
3.VCC	afç	«بی‌مزه»
4.CV	gâ	«گاو»
5.CVC	pis	«کچل»
6.CVCC	ganz	«گوزن»

با توجه به جدول فوق فرمول هجایی تالشی عبارت است از: (C)V((C)C).

### ۳-۲ کلمات چند هجایی

در کلمات چند هجایی، ساختارهای زیر قابل تشخیص است:

1.V-CV	âbe	«شکفتن»
2.V-CV-CV	âçake	«سیر شدن»
3.V-CV-CV-CV	âlubâlu	«آلبالو»
4.V-CV-CV-CV-CV	afêlakisa	«رنگ پریده و بی‌حال»
5.V-CV-CV-CVC	âsunasâz	«آهنگر»
6.V-CV-CV-CVC-CV	ârâsâvênde	«رساندن»
7.V-CV-CV-CVCC	anadafars	«نپرسیده»
8.V-CV-V-CV	avaâda	«فرستنده»
9.V-CV-V-CVCC	anaâmêrz	«نیامرزیده»
10.V-CV-CVC	âmiyan	«مایه ماست»
11.V-CV-CVC-CV	izâvênde	«بیدار کردن»
12.V-CVC	âdam	«کارگر، مزدور»
13.V-CVC-CVC-CV	âgârdânde	«برگرداندن»
14.V-CVC-CV	âkarde	«گشودن»
15.V-CVCC	âvend	«آبستن (برای حیوان حلال گوشت)»
16.VC-CV	âšti	«آشتی»
17.VC-CV-CV	amburu	«گلابی وحشی»
18.VC-CV-CV-CV	eškamasi	«اسهال»

19.VC-CV-CVC	astequn	«استخوان»
20.VC-CVC	abram	«ابرو»
21.VC-CVC-CV	isparde	«سپردن»
22.VC-CVC-CVC	anguštar	«انگستر»
23.VC-CVCC	æsfand	«اسفند»
24.CV-CV	bâbâ	«پدر بزرگ»
25.CV-CV-CV	balake	«افتادن»
26.CV-CV-CV-CV	čilivisi	«چین و چروک»
27.CV-CV-CV-CVC	buqalamun	«بو قلمون»
28.CV-CV-CV-CVC-CV	dačikâvənde	«چسباندن»
29.CV-CV-CVC	rətəbən	«رسوب»
30.CV-CV-CVC-CV	bəraməste	«گریاندن»
31.CV-CV-CVCC	kašâvarz	«کشاورز»
32.CV-CVC	čilik	«چینه‌دان»
33.CV-CVC-CVC	dukundâr	«بقال»
34.CV-CVC-CV	bəramse	«عزاداری»
35.CV-CVC-CV-CVC	malarzadun	«تار عنکبوت»
36.CV-CVC-CV-CVCC	bičangəməšt	«بی دست و پا»
37.CV-CVC-CV-CV	biliskaçi	«چاروادار»
38.CV-CVC-CVCC	qubatmant	«قوی»
39.CV-CVCC	bâzāng	«النگو»
40.CVC-CV	barja	«پنجره، دریچه»
41.CVC-CV-CV	bargete	«انتخاب چوب»
42.CVC-CV-CV-CVC	qaylanahâr	«صبحانه»
43.CVC-CV-CVC	garmâlad	«لفل»
44.CVC-CV-CVC-CV	časmâvənde	«چسباندن»
45.CVC-CVC	čârguš	«مستطیل، مربع»
46.CVC-CVC-CV	čâršamba	«چهارشنبه»
47.CVC-CVC-CV-CV	pâvruzlala	«چوب سیگار»
48.CVC-CVC-CVC	haftangaz	«زنبور رنگی»
49.CVC-CVCC	karčang	«خرچنگ»
50.CVCC-CV	hâvzča	«حوضچه»

### ۳-۳ توزیع همخوانها

تمامی همخوانهای این گویش در سه جایگاه آغازین، میانی، و پایانی کلمه قرار می‌گیرند، جز واج /h/ که در جایگاه پایانی به کار نمی‌رود. واج /z̄/ نیز در جایگاه پایانی بسیار کم ظاهر می‌شود. در جدول زیر چگونگی توزیع همخوانهای تالسی به همراه مثال به دست داده شده است:

همخوان	جایگاه آغازی	جایگاه میانی	جایگاه پایانی
/p/ .۱	par «بال»	tupa «توپ کوچک»	asp «اسب»
/b/ .۲	bar «در»	âba «بان»	səb «صبح»
/f/ .۳	faš «فحش»	afč «بی‌مزه»	gaf «صحبت»
/v/ .۴	vər «گیج»	râva «شیره، عصاره»	âv «آب»
/t/ .۵	tey «خالی»	atr «عطر»	jut «دارای لکت»
/d/ .۶	das «دست»	âda «بفرست»	bad «بد»
/s/ .۷	sas «صدا»	asp «اسب»	lâs «صخره»
/z/ .۸	zir «دیروز»	dəzd «دزد»	az «من»
/š/ .۹	šâl «شغال»	išâ «عشا»	xəš «علاقه، مهر»
/z̄/ .۱۰	žâ «جو»	âža «فرق بز و گوسفند»	pirâž «طناب نازک و کوتاه»
/č/ .۱۱	čin «چروک»	kača «قاشق»	pâč «آدم قد کوتاه»
/j/ .۱۲	jald «زرنگ»	ijâra «اجاره»	suɟ «سوز»
/k/ .۱۳	kal «زمخت»	šəkl «شکل»	tak «پهلوی»
/g/ .۱۴	gul «گل»	čangâna «دستکش»	mazg «مغر»
/x/ .۱۵	xəl «سوراخ»	təxt «میز»	ax «افسوس»
/q/ .۱۶	qər «خراب»	čâqu «چاقو»	bəq «اخم»
/h/ .۱۷	ham «همین»	nəhâr «نهار»	-----
/m/ .۱۸	muč «گنجشک»	ama «ما»	dim «صورت»
/n/ .۱۹	ner «فوج»	anamas «نشو»	bən «زیر»
/l/ .۲۰	luk «گلو»	dila «درون»	nâl «نعل»
/r/ .۲۱	ruk «کوچک»	gura «جوجه تیغی»	xər «ابر»
/y/ .۲۲	yak «یک»	ayd «عید»	čây «چای»

### ۴-۳ توزیع واکه‌ها

تمامی واکه‌های تالشی در جایگاه آغازین، میانی و پایانی کلمه به کار می‌روند:

واکه	جایگاه آغازی	جایگاه میانی	جایگاه پایانی
/i/ .۱	ira «خواهرشوهر»	dil «قلب»	ki «چه کسی»
/e/ .۲	esba «سگ»	kej «ابریشم»	pate «پختن»
/a/ .۳	ačar «کلید»	bar «در»	dara «دره»
/â/ .۴	âba «باز»	čâr «چهار»	dada «بیهوده»
/ə/ .۵	əm «این»	sər «قرمز»	də «دو»
/u/ .۶	ume «آمدن»	puš «پوشش»	ču «چوب»

### ۴ واجهای میانجی

در تالشی همخوانهای میانجی زیر وجود دارد:

۱. w- نشانه اضافه در تالشی a است که به دنبال مضاف الیه اضافه می‌شود. در این زبان مضاف الیه معمولاً قبل از مضاف قرار می‌گیرد. هرگاه اسمی به واکه u ختم شود و به اسم دیگری اضافه گردد، بین u پایانی کلمه اول و نشانه اضافه a، همخوان میانجی w ظاهر می‌گردد u-a:

muwa puču «گره ماده»

xuwa kula «بچه خوک»

čuwa qafasa «قفسه چوبی»

۲. v- این همخوان میانجی هنگام ساختن اعداد ترتیبی و ضمائر اشاره جمع ظاهر می‌شود (به عبارت دیگر بین واکه‌های ə-ə، ə-â و u-a قرار می‌گیرد):

də+əmə → dəvəmə «دوم»

nâ+əmə → nâvəmə «نهم»

a+un/en → avun/aven «آنها»

۳. y- این همخوان میانجی هنگام التقای واکه‌های i و e/u/a و همچنین u و e (u-e) ظاهر می‌شود:

quri+en/un → quriyen/quriyun

ispiya aspa «اسب سفید»

ju+e → juye «جویدن»

âdu+e → âduye «فرستادن»

## ۵ چند فرایند واجی در گویش تالشی

در اینجا به سه نمونه از فرایندهای واجی حذف، اضافه، و قلب در مقایسه با فارسی می‌پردازیم:

## ۱-۵ حذف

در مواردی همخوان پایانی حذف شده است:

تالشی	فارسی
var	برف
xu	خوک
gâ	گاو
vâ	باد
čerâ	چراغ
kulu	کلوخ
bum	بمب
zu	زود

## ۲-۵ اضافه

در بعضی کلمات نیز همخوانی به جایگاه پایانی اضافه شده است:

تالشی	فارسی
jend	جن
najest	نجس
dəšbend	دشمن
fand	فن
sənd	سن

## ۳-۵ قلب

در بعضی از واژه‌های مشترک فارسی و تالشی از نظر مقایسه جای صامت‌ها با هم عوض شده است:

تالشی	فارسی
tafsis	تشویش
bandum	بدنام
filta	فتیله
nazm	نبز

۶ تحلیل بعضی خصوصیات واجی-آوائی تالشی با توجه به فارسی جدید و نو یکی از منابع ارزشمند بازسازی دوره‌های متقدم‌تر زبانی، استفاده از داده‌هایی است که مربوط به گویشهای خویشاوند یا همجوار فارسی می‌باشند. گویش تالشی به دلیل اینکه زبانی محافظه‌کار است، یکی از منابع حائز اهمیت ما در بازسازی واژه‌های کوتاه در دورهٔ زبان فارسی جدید محسوب می‌شود. ما در اینجا بین فارسی جدید (که فارسی دورهٔ پس از اسلام تا قرن نهم هجری است) و فارسی نو (که فارسی از قرن نهم تا به امروز است) تمایز قائل می‌شویم.

می‌دانیم که در دوره متقدم، حداقل تا قرن هفتم هجری، در زبان فارسی امتداد واکه (یا کمیت آن) یک مشخصهٔ تمایزدهنده بوده است (رک. صادقی ۱۳۵۷ و نغزگو ۱۳۷۸). صادقی معتقد است که تحول در نظام واکه‌ای بعد از قرن نهم هجری صورت گرفته ولی وی در کتاب تکوین زبان فارسی دلیل یا دلایل خود را در این زمینه ذکر نکرده است. وی به درستی در این باره می‌نویسد «مصوت‌های فارسی دقیقاً مانند پهلوی بوده و جز دو مورد  $\bar{e}$  و  $\bar{o}$  با دستگاه مصوت عربی تفاوت نداشته است» (رک. صادقی ۱۳۵۷: ۱۲۹). یعنی «سه واکهٔ کوتاه  $u, i, a$  از نظر مخرج مانند فتحه و کسره و ضمه عربی بوده است ولی بعدها در نتیجه تحول دو مصوت  $i$  و  $u$  به  $e$  و  $o$  تبدیل شده است» (همان). در گویش تالشی مورد بررسی ما شواهد موجود نیز مؤید این مطلب است (برای دلایل دیگر در این زمینه رک. نغزگو ۱۳۸۲). نکتهٔ جالب توجه در تالشی این است که در آن مانند فارسی جدید واج  $/o/$  وجود ندارد. در مقایسهٔ کلمات تالشی با فارسی نو متوجه می‌شویم که به جای  $o$  امروزی فارسی در تالشی در اکثر موارد واکهٔ  $\bar{a}$  یا  $u$  به کار رفته است، که مورد اخیر مطابق با ساخت واجی فارسی جدید است:

تالشی $\bar{a}$	فارسی $o$	تالشی $u$	فارسی $o$
sabək	sabok «سبک»	xušāl	xošhāl «خوشحال»
nāzək	nāzok «نازک»	pušti	pošti «پشتی»
xəšk	xošk «خشک»	tuba	tobe «توبه»
səb	sobh «صبح»	kumut	komod «کمد»
bəz	boz «بز»	pur	por «پر»
səni	sonni «سنی»	urdak	ordak «اردک»
bəlbəl	bolbol «بلبل»	čurt	čort «چرت»
dəzd	dozd «دزد»	gulār	golāb «گلاب»
xədā	xodā «خدا»	nāxuš	nāxoš «ناخوش»

در بسیاری از کلمات تالشی نیز به جای e فارسی امروزی، مطابق با فارسی جدید، صورت قدیمی i به کار رفته است:

تالشی	فارسی
kitri	ketri کتری
gil	gel گل
islâm	?eslâm اسلام
imam	?emâm امام
šin	šen شن
dabistân	dabestân دبستان
ijâre	?ejâre اجاره
qâtil	qâtel قاتل
kitâv	ketâb کتاب
tikrâr	tekrâr تکرار

اگر به جفت واژه‌های زیر در فارسی امروزی دقت کنیم متوجه می‌شویم که با وجود وقوع هر دو صورت در گفتار صورتی که در آن a وجود دارد صورت قدیمی‌تر محسوب شده و احياناً در حال از بین رفتن است: palâside//pelâside, čašm//češm, dastaš//dasteš, taryaaq//teryaaq, mohebbat//mohabbat, mehdi//mahdi. به وسیلهٔ همین نوسانها می‌توانیم در کنار شواهد دیگر ثابت کنیم که این گرایش قوی موجب تغییرات آوایی منظمی در گذشته شده است. مثلاً «های» به اصطلاح غیرملفوظ در گذشته نشانهٔ a بوده است، مانند صورتهای: xâna «خانه» و lâna «لانه». در حال حاضر در فارسی رسمی و معیار بجز چند استثنا، این «ها» نشانهٔ e است. در بسیاری از گویشهای فارسی و ایرانی دیگر نیز هنوز تلفظ قدیمی‌تر a حفظ شده است. تالشی نیز از جمله این گویشهاست:

تالشی	فارسی
dara	دره
laba	پرنگاه/لبه
tâza	تازه
seka	سکه
tavila	طویله
parda	پرده
šiša	شیشه
lula	لوله
riša	ریشه

\_\_\_\_\_ دستگاه واجی گویش تالشی و کاربرد آن در تحلیل بعضی ...

موارد دیگری از کاربرد a قدیمی در مواضع دیگر (جز جایگاه پایانی) به جای e امروزی فارسی:

تالشی	فارسی
kanâr	ساحل/کنار
xayli	خیلی
madrasa	مدرسه
gadâ	گدا
paydâ	پیدا
šakar	شکر
yakšamba	یکشنبه

### نتیجه‌گیری

یکی از منابع مهم در بازسازی گذشته یک زبان استفاده از لهجه‌های خویشاوند با آن است. شواهد به دست آمده از این طریق را شواهد فرعی می‌نامند. بازسازی خصوصیات آوایی و واجی از جمله مشکل‌ترین حوزه‌های زبان‌شناسی تاریخی است. بنابراین محققان علاوه بر استفاده از متون بر جای مانده از یک زبان بهتر است برای محک زدن فرضیات خود از شواهد فرعی نیز استفاده کنند. گویش تالشی یکی از لهجه‌های خویشاوند و موجود زبان فارسی است. همان‌طور که دیدیم به دلیل محافظه‌کار بودن این گویش بسیاری از خصوصیات که در زبان فارسی از بین رفته است، هنوز در تالشی به کار می‌رود. با بررسی نظام واجی این گویش و مقایسه آن با فارسی بسیاری از فرضیات محققان در مورد گذشته زبان فارسی محک می‌خورد.

### کتابنامه

- صادقی، علی‌اشرف، ۱۳۵۷. تکوین زبان فارسی. تهران، دانشگاه آزاد ایران.  
عبدلی، علی، ۱۳۶۳. فرهنگ تاتی و تالشی. بندر انزلی، انتشارات دهخدا.  
عبدلی، علی، ۱۳۸۰. فرهنگ تطبیقی تالشی، تاتی، آذری. تهران، شرکت سهامی انتشار.  
نفرگوی کهن، مهرداد، ۱۳۷۳. «توصیف ساختمان فعل در گویش تالشی دهستان طاسکوه ماسال»، مجله زبانشناسی، س ۱۱، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۷۳.  
نفرگوی کهن، مهرداد، ۱۳۷۸. بررسی زبانشناختی متون منثور قرن‌های ششم و هفتم هجری (رساله دکتری). دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

نرگویی کهن، مهرداد، ۱۳۸۲. «اهمیت لهجه‌شناسی در مطالعات تاریخی»، نخستین همایش زبان‌شناسی و آموزش زبان در ایران، دانشگاه تربیت مدرس. هفته‌نامه کادح. ویژه تالش، ۹ اردیبهشت ۱۳۷۲، «یک تحقیق ارزشمند».

*Ethnologue Report for Language Code: TLY*, <http://www.ethnologue.com/show-language.asp?code=TLY>

Miller, B. V., 1953. *Talyšskii jazyk*. Moscow, Akademia Nauk.

Pireiko, L. A., 1976. *Talyšsko-russkii slovar*. Moscow, Russkii jazyk.

Schulze, Wolfgang, 2000. *Indo-European Languages: Northern Talyshi*. Lincom Europa.

مرکز نشر دانشگاهی منتشر کرده است:

پژوهش‌های ایران‌شناختی  
مجله مطالعات ایرانی به زبان آلمانی

سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۳

Alexander der Große in Persepolis (Takt-e Ĵamšīd)/ Jakob Seibert

Grundlagen und Zielsetzung der offensiven sasanidischen Politik gegenüber

dem Römischen Reich unter Ardašīr I./ Karin Mosig-Walburg

Zur Geschichte des modernen persischen Dramas (1870-1980)/

**Touradj Rahnema**

mit Berichten über

das Seminar „Der Orient aus der Sicht des Okzidents“

die Ausstellung „Tausendundeine Nacht“